

بسم الله الرحمن الرحيم

داستان سعادت



۱۳۵۷

سپاه نبی اکرم (ص) استان کرمانشاه

داستان زندگی شهید ناصر سیفی به روایت همسر شهید سعادت رسولی

به سفارش مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه حضرت نبی اکرم (ص)
استان کرمانشاه

نویسنده: سرکار خانم پروین پیرمرادی

سرشناسه: رسولی، سعادت، ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور: داستان سعادت: زندگی شهید ناصر سیفی / به روایت همسر سعادت رسولی؛ به سفارش مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس سپاه حضرت نبی اکرم (ص) استان کرمانشاه؛ مدیر مسئول شهریار محمدی؛ نویسنده [صحیح: گردآورنده] پروین پیرمرادی.

مشخصات نشر: قم: انتشارات ندای الهی، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۳۲ص. شابک: 978-600-6113-60-9

وضعیت فهرست نویسی: فیا

عنوان دیگر: زندگی شهید ناصر سیفی.

موضوع: سیفی، ناصر، ۱۳۳۳-۱۳۶۵.

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- شهیدان -- سرگذشتنامه

موضوع: Martyrs -- Biography -- Iran-Iraq War, 1980-1988

موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ -- خاطرات

موضوع: Personal narratives -- Iran-Iraq War, 1980-1988

موضوع: شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات

موضوع: Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries

شناسه افزوده: پیرمرادی، پروین، ۱۳۵۹ -، گردآورنده

شناسه افزوده: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (کرمانشاه). سپاه نبی اکرم (ص). مرکز حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

رده بندی کنگره: ۱۶۲۶DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۳۰۴۸۷

نام کتاب: داستان سعادت

نویسنده: پروین پیرمرادی

ناشر: ندای الهی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

تیراژ: ۲۰۰ نسخه

چاپخانه: قدس

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۱۳-۶۰-۹

کلیه حقوق این اثر متعلق به مولف می‌باشد.

آدرس: قم، خیابان سمیه کوچه ۱۰ کوی اول بن بست شهید مدرسی پلاک ۸۷

۰۹۱۲۵۸۰۶۴۷۳

فهرست مطالب

۵	پیشگفتار:
۸	مقدمه:
۹	فصل اول:
۱۳	فصل دوم:
۱۷	فصل سوم:
۲۱	فصل چهارم:
۲۸	فصل پنجم:
۴۰	فصل ششم:
۴۹	فصل هفتم:
۵۸	فصل هشتم:
۷۱	فصل نهم:
۷۵	فصل دهم:
۸۲	فصل یازدهم:
۹۲	فصل دوازدهم:
۱۰۳	فصل سیزدهم:
۱۲۳	فصل چهاردهم:

۱۳۱	فصل پانزدهم:
۱۳۶	فصل شانزدهم:
۱۴۲	فصل هفدهم:
۱۵۱	فصل هجدهم:
۱۶۳	فصل نوزدهم:
۱۶۹	فصل بیستم:
۱۷۶	فصل بیست و یکم:
۱۸۸	فصل بیست و دوم:
۲۰۷	فصل بیست و سوم:
۲۲۱	آلبوم تصاویر

پیشگفتار:

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در تاریخ ۲۲ بهمن سال ۵۷ برخی از شهرها دچار بحران شد و تعدادی افراد شورشی و ضد انقلاب در شهرهای مرزی دست به تحرکات نظامی و ترور مردم نظامی و غیرنظامی زدند. گروه‌هایی بنام خلق کرد به وجود آمده بودند که درصدد فروپاشی و جدا سازی مردم و برخی از شهرهای منطقه غرب کشور بر آمدند در غرب کشور دشمنان برای تحریک علیه حکومت اسلامی به هر دسیسه و ترفندی بسنده می کردند تا مردم ساده را با وعده وعید و شعارهای زیبایشان به سمت خود بکشانند. از افکار جنگ روانی گرفته تا تاکتیکی در پناه و کردستان استفاده کردند و شهرهای کردنشین را به خاک و خون و آتش کشانند. توطئه طراحی شده امپریالیستی قدرتهای غربی درصدد فروپاشی و سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی بودند تا نظام کمونیستی را جایگزین کنند اما با رشادتها و ایثارگری‌های سربازان و پاسداران امام زمان (عج) و مردم غیرتی جای جای ایران حکومت اسلامی با نام (جمهوری اسلامی ایران) سالهای متوالی پابرجا و مستحکم در مقابل ظلم ایستاده و همیشه در صحنه حضور خواهند بود.

کردستان به دلیل وجود احزاب ضد انقلاب وضعیت خطرناکتر و بحرانی‌تر داشت و در تاریخ ۲۳ مرداد ۱۳۵۸ نیروهای دموکرات کردستان به پناه حمله کردند و این شهر را به محاصره درآوردند. با آتش خمپاره راه‌های منتهی به شهر را مسدود کردند. برای پاکسازی مریوان شهید اصغر وصالی و نیروهای تحت امرش که معروف به دستمال سرخ‌ها بودند حضور داشتند. نیروهای ایشان همراه چند نفر از رزمندگان با پرواز هلی کوپتر به پناه منتقل شده و با پیشمرگان کرد در شهر پناه برای مقابله و مبارزه با گروهک‌های ضد انقلاب همراه شدند. علیرغم مقاومت نیروهای دستمال سرخ نیروهای

ضد انقلاب نیز پیشروی کرده و چند نقطه شهر را به تصرف خود درآورده همچنین کنترل تمام راههای منتهی به شهر پاوه را مسدود کرده بودند. اگر انقلابیون با شکست بر می خوردند راه برای پیشروی و تسلط دشمن به استان کردستان باز می شد.

در تاریخ ۱۳۵۸/۵/۲۷ بود که با صدور فرمان تاریخی حضرت امام خمینی (ره) مبنی بر لزوم شکست حصر پاوه مقاومت نیروهای انقلاب مضاعف شد و مردم کرمانشاه نیز پس از صدور این حکم به سوی پاوه با تمام قوا حرکت کردند و نقاط حساس به دست نیروهای سپاه پاسداران افتاد و مهاجمین به ارتفاعات اطراف گریختند و عملیات پاکسازی با تعقیب آنان ادامه پیدا کرد. در این راه شهیدان والامقام همچون دکتر چمران و اصغر وصالی در کنار رزمندگان و همچنین پیشمرگان و بسیجیان گرد با حفظ وحدت همراه و همسو این خطه از زاگرس را از لوث دشمنان پاکسازی کردند.

شهرستان پاوه در شمال غرب استان کرمانشاه واقع شده است. این شهر از طرف شمال به شهرستان مریوان و سروآباد کردستان، و از طرف جنوب به شهرستان جوانرود و ثلاث باباجانی و از شرق به شهرستان روانسر و کامیاران و استان کردستان منتهی شده است. همچنین از غرب کشور به مرز عراق و شهرستان حلبچه محدود می گردد. کلمه پاوه به معنای دهخدا و به معنی شستن و پاکیزه کردن آمده است یعنی پاک، در طول تاریخ پاکی در گفتار و پندار و کردار نیک در دوره زردشت در حدود ۷۵۰ سال قبل از اسلام و پاکی در پذیرفتن دین اسلام عده ای معتقدند که واژه پاوه برگرفته از لغت اورامی (به پاو) به معنی ایستاده و استوار است که این دیدگاه به شرایط توپوگرافی و طبیعی پاوه که در یک منطقه کوهستانی صعب العبور واقع شده برمی گردد. پاوه در سال ۱۳۱۶ مرکز بخشداری پاوه و اورامانات بوده است و در سال ۱۳۳۶ به عنوان مرکز شهرستان به فرمانداری ارتقاء پیدا کرد. در منطقه کوهستانی واقع شده از شمال شرق رشته کوه شاهو با ارتفاع ۳۳۹۰ متر از سمت جنوب و غرب کوه آتشفشان با ارتفاع ۲۵۰۰ متر در برگرفته شهری زیبا و با سازه هایی محکم و استوار از سنگ که در دامنه ها و حتی بلندترین نقطه کوه ساخته شده که چشم هر توریست و مهمانی را به خود جلب می کند.

به دلیل اینکه این شهرستان کاملاً کوهستانی است از بارش برف و باران بیشترین سهم را دارد. عموم مردمانش به باغداری مشغول هستند. دارای آب و هوای دل انگیز و خوشایند و مملو از درختان میوه بخصوص جنگلهای بلوط است؛ از این رو به شمال کردستان مشهور است.

پاوه دارای مردمانی متدین، جوانانی رشید و متعهد و پیرانی فرزانه است. مهمان نواز و دارای اندیشه و علاقمند به فراگیری علم و دانش هستند و این در رفتار مردم مشهود است. پاوه نیز زخم خورده دوران جنگ و مقاومت و یادگاری از رزمندگان و بسیجیان از جان گذشته است. یکی از شهدای شاخص پاوه و اورامانات شهید ناصرسیفی است که با خلوص نیت و بصورت داوطلب از میان آن مردم با ایمان برخاست و در دفاع از حریم وطن و آرمانهای اسلامی خود را سپر کرد و در مقابل ظلم ایستادگی را از خود نشان داد. او در سال ۱۳۶۰ به حکم فرماندهی سپاه وقت شهید ناصر کاظمی مسئول واحد بسیج شد. مبارزه شهید ناصرسیفی علیه دشمنان خود فروخته و نیروهای شورشی و ضد انقلاب که به دنبال فروپاشی و ایجاد رعب و وحشت و همچنین تفرقه و نفاق بودند، نیز نشان از کربلائیان عاشورایی است که در قلبها و ذهنها ماندگار خواهد بود.

مقدمه:

در آخرین روزهای پاییز سال ۱۳۹۵ که لحاف سفید زمستان برآی پوشاندن پوست و استخوان زمین آماده شده بود، افتخاری از کرمانشاه نصیب من شد. از حقیقت یک زندگی در تختِ اورامانات، می نویسم چنانکه ذهن و روح خواننده در میان شخصیت‌های داستان زندگی کند.

سلام بر اورامان و بر شیران شجاع کوه‌های سبز شاهو که با وزیدن بادهای گل چنور و لاله‌های واژگون را به رقص درمی آورد. درود می فرستم بر لبهای ترک خورده و بر زبان روزه بسته ات که گرد و خاک صخره‌ها و تل خاک‌های شهر و دیار و کوه‌های سربه فلک کشیده، بر سرخی لبهای تشنه ات نشست. تبرک است عرق رخسار شمع ماندت که در غم پرپاشیدن همسنگرهایت و در ربای شبانه‌ات بر سجاده اخلاص چکید. برادرم بر جای پایت بوسه می‌زنم که بی ادعا کوله بار بستی، عزمت را جزم کردی و در رگبار گلوله‌ها پهلوشکافته، عزیزانت را ترک گفتی. شهید راه خدایی بی آنکه چشم به آزادی پرهایت دوخته باشی یاسینه به آغوش مادرت گرم کرده باشی یا کودک گهواره‌ت را سیربوسیده باشی، با شهد شهادت کامت را شیرین و یادت را در خاطر عموم به یادگار گذاشتی؛ در سینه‌ات رکوع و سجود خانه ساخت و عاشقانه وسعت قلبت را مأوای خدا کرده بودی، تا زنده هستیم قلم را در قربانگاه کاغذ قربانی خاطره‌های تلخ و شیرینتان می‌کنیم.

درود همیشگی ما بر روح پرفتوح امام شهدا حضرت امام خمینی (ره)

و شهیدان همیشه زنده جای، جای، وطنم ایران و تک تک یادگاران و بازماندگان

جنگ و جبهه

(صلوات)